

## بررسی تاثیر بحران سوریه بر امنیت اردن (۲۰۱۴-۲۰۲۰)

سید حمزه صفوی<sup>۱</sup>، سعید جمشیدی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> استادیار گروه مطالعات منطقه ای دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات منطقه ای دانشگاه تهران

### چکیده

جنس بحران‌ها به دو نوع بحران‌های «در» ساختار و بحران‌های «بر» ساختار تقسیم می‌شود. بحران‌های «در» ساختار موجب به چالش کشیدن و تنظیم نظام و نه تغییر ساختار نظام بین‌الملل می‌گردد، اما محصول بحران‌های «بر» ساختار، توزیع توانمندی نوین و ایجادکننده ساختارهای جدید است. از این بعد، بحران به‌عنوان یک فرایند، نقشی ساختارساز ایفا می‌کند و فرایند، موجد ساختار می‌گردد. بحران سوریه از نظر جنس بحران، بحرانی است «در» ساختار که از درون دولت‌های ملی برخاسته و به فضای منطقه‌ای و بین‌المللی سرایت کرده است؛ بنابراین بحران سوریه تبدیل به آوردگاهی شده که قدرت‌های بزرگ را به‌طور غیرمستقیم درگیر کرده است که قادر به تغییر نوع ساختار نیست، بلکه می‌تواند نوع اتحادها و ائتلاف‌ها را در ابعاد بین‌المللی دگرگون سازد. منشأ بحران سوریه از نوع سطح بحران، داخلی بوده که به دلیل عدم توانایی پاسخ متناسب و به موقع به بحران، بحران سریز کرده و نظام منطقه‌ای و جهانی را هم‌زمان به چالش کشیده است. بدین ترتیب، علاوه بر برخورد نظام سیاسی با مخالفان و معترضان، مخالفت‌ها از مرزها فراتر رفته و ناآرامی‌ها در سوریه به صحنه جنگ سردی بر اساس منطق موازنه قوای نامتوازن میان قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای و بین‌المللی تبدیل شده است. با این وصف، اگرچه بحران سوریه از لحاظ ساختار نظام بین‌الملل، بحرانی «در» ساختار است، اما از بعد منطقه‌ای به دلیل حاکم بودن فضای جنگ سرد در منطقه، تقریباً دوقطبی بودن ائتلاف و اردوگاه‌های منطقه‌ای و اهمیت ژئوپلیتیک سوریه، بحران سوریه بحرانی «بر» ساختار قلمداد می‌شود حال در این پژوهش محقق درصدد است به بررسی تاثیر بحران سوریه و همچنین ابعاد و پیامدهای بحران مذکور را بر امنیت اردن مورد بررسی و تحلیل قرار دهد؛ ماحصل یافته‌ها نشان داد که با آغاز بحران سوریه کشور اردن از نظر همسایگی با این کشور با تهدیدات امنیتی همانند ورود پناهندگان و درگیری‌های مرزی و تهدیدات داعش روبرو بود که این امر بر امنیت اردن بصورت مستقیم و غیر مستقیم تاثیر گذار بود، که این کشور برای رفع حل معضل امنیتی خود و تقویت کشور از کمک‌های مالی و نظامی آمریکا و کشورهای دیگر برخوردار گردید.

**واژه‌های کلیدی:** اردن، تحولات سوریه، امنیت سیاسی

## مقدمه

بحران سوریه همزمان با اعلام رسمی خلافت دولت اسلامی عراق و شام موسوم به داعش از سال ۲۰۱۴ تاکنون یکی از مهم ترین رویداد های مهم منطقه غرب آسیا می باشد که قبل از موجودیت رسمی این گروه تروریستی در منطقه غرب آسیا شاهد خیزش های عربی و مردمی در شمال آفریقا و منطقه غرب آسیا هستیم که سوریه از این تحولات در امان نبود و با آغاز شورش های در داخل کشور سوریه گروه های تروریستی از این موقعیت استفاده کرده و با اعلام رسمی داعش در سوریه پیامدهای را بر منطقه از جمله اردن گذاشته است که بنابراین هدف پژوهش این است که پیامدهای بحران سوریه بر امنیت اردن مورد بررسی قرار گیرد. استراتژی اردن از همان ابتدای بحران سوریه با فراخواندن راه حل سیاسی و دیپلماتیک و جلوگیری از راه حل نظامی با مداخلات خارجی بود که این رویکرد با توجه به موقعیت خود کشور اردن لحاظ شد. از لحاظ امنیتی اردن نگران تردد گروه القاعده از طریق سوریه هستند که در گذشته هر دو کشور در کنترل افراط گرایان و عدم مسلح شدن آنها همکاری می کردند. از همین رو این مسائل موجب شد روابط خوبی تا چندی پیش با یکدیگر داشته باشند. اما از طرفی اردن با مسائل داخلی خود نیز روبه رو است، نحوه برخورد اردن با بحران سوریه را در دو مقطع می توان مورد بررسی قرار داد. مقطع اول که می توان گفت از آغاز بحران سوریه از ۲۰۱۱ ما شاهد یک موضع گیری و بازی هوشمندانه از سوی اردنی ها در قبال سوریه هستیم، در حالی که در آن مقطع بسیاری از دولت های منطقه در خط مخالفان دولت اسد حضور داشتند و بسیاری از کارشناسان انتظار داشتند با شروع بحران در سوریه و با توجه به اختلافات از نظر دیدگاه سیاسی که بین دولت اردن و سوریه وجود داشت، امان نیز به سرعت در صف مخالفان سوری قرار گیرد، اما آنها که همواره به دلایل امنیتی و اقتصادی روابط مناسبی با سوریه داشتند با انجام یک بازی دوگانه تلاش کردند که روابط خود را با دولت اسد حفظ کنند و همچنین چون از نظر سمت و سوی سیاسی به مخالفان نزدیک تر بودند، به نوعی نه به صورت فعال، بلکه به شکل معنوی، در جبهه مخالفان حضور داشته باشند همان طور که نخست وزیر سابق اردن در جمع مخالفان سوری اعلام کرد که اجازه دهید اردن بنا به دلایلی در صف مخالفان قرار نگیرد، و در مقطع دوم در مقطع دوم یا کنونی ۲۰۱۴-۲۰۲۰، اردن تحت فشار امریکا و اروپا قرار دارد و به نوعی ناگزیر از همکاری با آنهاست و این هم به دلیل ضعیف بودن این کشور در داخل و کمک های بزرگی است که دولت های غربی و عربی به دولت اردن می کنند.

در این راستا تاثیر بحران سوریه بر امنیت کشورهای منطقه تحقیقات متعددی صورت گرفته، و در میان پژوهش های صورت گرفته گروهی از منظر بحران سوریه بر محیط امنیت منطقه ای (صفوی و نبوی، ۱۳۹۵) و عده ای بر نقش بازیگران منطقه ای و فرا منطقه ای در بحران سوریه (احمدیان، ۱۳۹۶) و پژوهشگران خارجی نیز از منظر تاثیر پناهندگان بر بازار کار اردن (گزارش سازمان بین المللی کار) و یا عده ای بر تاثیر بحران سوریه بر تحولات اجتماعی و مکانی اردن و یا عده ای بر تاثیر بحران سوریه بر امنیت اقتصادی اردن پرداخته اند و با این اوصاف به نظر می رسد در زمینه تاثیر بحران سوریه بر امنیت اردن پژوهشی صورت نگرفته است و از این رو این پژوهش با بحران سوریه از آغاز اعلام موجودیت رسمی گروه داعش در این کشور از ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۰ با در نظر گرفتن تبعات امنیتی از جمله حضور پناهندگان -عناصر تکفیری و تهدیدات آن برای اردن و اقدامات و دستاوردهای آن برای اردن تلاش خواهد شد که به این سوال پاسخ داده شود که بحران سوریه چه تاثیری بر امنیت اردن گذاشته است؟ که در پاسخ میتوان گفت که بحران سوریه در قلب منطقه پرتنش غرب آسیا کشورهای همسایه را از لحاظ امنیت را با چالش های جدی مواجه کرده است که این پژوهش پیامدهای بحران سوریه بر امنیت اردن را مورد بررسی قرار می دهد و پژوهش حاضر برای راستی آزمایی فرضیه مورد نظر در قسمت اول به مفهوم امنیت و ابعاد آن و در قسمت دوم بحران سوریه و آثار پیامدهای آن بر کشورهای همسایه و در قسمت سوم پیامدهای آن بر کشور اردن از جمله پناهندگان و عناصر تکفیری و درگیری مرزی و پیامدهای آن مورد بررسی قرار می گیرد.

## مبانی نظری

آنچه در این پژوهش محور اصلی تأملات نظری را به خود اختصاص داده، بهره‌گیری از رویکرد سازه‌نگاری (برسازی) برای بررسی رفتار سیاست خارجی بازیگران منطقه‌ای مهم و تأثیرگذار - در قبال بحران سوریه بر امنیت اردن است. به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تأثیرگذار بر سمت‌گیری و عمل سیاست خارجی این دسته از کنشگران در قبال بحران اخیر به نحوه برساختگی هویت و منافع آن‌ها در محیط نظام بین‌الملل بازمی‌گردد. بر این اساس، نخست به بررسی نظری نحوه تأثیرگذاری این عوامل بر کنش سیاست خارجی بازیگران نظام بین‌الملل پرداخته می‌شود.

سازه‌نگاری رویکردی است برای بررسی روابط بین‌الملل که هنگام تبیین رفتار کنشگران بر اولویت متغیرهای غیرمادی و به‌طور مشخص هنجارها، فرهنگ، هویت‌ها و اندیشه‌ها تأکید دارد. این مکتب بر ساخته‌وپرداخته اجتماع بودن هویت‌ها و منافع کنشگران سیاست جهان تأکید می‌ورزد. هواداران رویکرد سازه‌نگاری روندهایی را به بررسی می‌گذارند که هویت‌ها و منافع کنشگران از طریق آن‌ها در جریان تعامل اجتماعی مستمر با سایر بازیگران تولید، بازتولید و گاه دگرگون می‌شود (فیلیپس، ۱۳۸۸: ۲۰۴).

به باور نیکلاس اوف، روندهای مذکور بر این مسئله تأکید دارد که همه کنش‌های انسانی در فضایی اجتماعی شکل می‌گیرند و معنا پیدا می‌کنند و این معنا سازی است که کم‌وبیش به واقعیت جهان شکل می‌بخشد. به بیان دیگر، سازه‌نگاری از کردار شروع می‌شود یعنی آنچه انجام می‌شود، اعمالی که صورت می‌پذیرد و کلماتی که گفته می‌شود.

دیدگاه سازه‌نگارانه به این امر می‌پردازد که چگونه هویت‌ها و هنجارهای اجتماعی مردم می‌تواند با روابط نهادینه میان آن‌ها گسترش یابد. از آنجاکه منافع از روابط اجتماعی برمی‌خیزد و نه به شکلی تحلیلی و ماقبل آن، لزوماً نسبت به نوع تعامل میان دولت‌ها و همکاری یا تعارض میان آن‌ها نه می‌توان خوش‌بین بود و نه بدبین. روابط دولت‌ها با هم بر اساس معنایی است که آن‌ها برای یکدیگر قائل‌اند و نه توزیع قدرت. در اینجا است که هویت به موضوعی مهم تبدیل می‌شود. هویت به معنای فهم‌های نسبتاً ثابت و مبتنی بر نقش خاص از خود و انتظارات از دیگران است. کنشگران منافع و هویت خود را از طریق مشارکت در معانی جمعی به دست می‌آورند، یعنی همان معانی که ساختارها را تعریف کرده می‌کنند و به کنش‌های ما سازمان می‌دهند. هویت و منافع اموری رابطه‌ای هستند و وقتی ما موقعیت را تعریف می‌کنیم، تعریف می‌شوند. لذا، هنجارها تابع منافع کنشگران نیستند بلکه به این منافع شکل می‌دهند. به علاوه تأثیر آن‌ها صرفاً در حد تحدید یا تشویق کنش یعنی تأثیر تنظیم‌کنندگی نیست، بلکه تأثیری تکوینی است یعنی اهداف کنشگران را مشروعیت می‌بخشد و در نتیجه آن‌ها را تعریف می‌کنند (هادیان، ۱۳۸۲: ۹۲۱-۹۲۰ و ۹۳۱).

درواقع، می‌توان از مباحث هستی‌شناسی به عنوان کلیدی‌ترین مؤلفه در فهم دیدگاه سازه‌نگارانه یاد کرد. به باور پرایس و رویس اسمیت، سازه‌نگاری از سه گزاره هستی‌شناسانه مهم برخوردار است. نخستین گزاره مهم هستی‌شناسانه سازه‌نگاری این است که ساختارهای فکری و هنجاری نیز به اندازه ساختارهای مادی مورد توجه نواقع گرایان اهمیت دارند؛ زیرا این نظام‌های بامعنا هستند که تعریف می‌کنند کنشگران چگونه باید محیط مادی خود را تفسیر کنند. دومین گزاره هویت‌ها هستند که به منافع و کنش‌ها شکل می‌دهند. فهم اینکه منافع چگونه شکل می‌گیرند، کلید تبیین طیف وسیعی از پدیده‌های بین‌المللی تلقی می‌شود که درست درک نشده‌اند یا مورد غفلت قرار گرفته‌اند. بر اساس گزاره سوم، کارگزاران و ساختارها به هم متقابلاً شکل می‌بخشند (Price and Reus-Smit, 1998:266).

مسئله دیگری که در رابطه با کیفیت برساختگی منافع و هویت بازیگران بازمی‌گردد توجه به این نکته است که سازه‌نگاران در این خصوص که منافع، هویت و کنش‌های دولت‌ها تا چه حد ساخته‌وپرداخته ساختارهای اندیشه‌ای سیستمی است یا ساختارهای اندیشه‌ای داخلی یا ساختارهای اندیشه‌ای که واسطه پیوند سطح داخلی و بین‌المللی هستند با هم اختلاف نظر دارند (Reus-Smit, 1996:220)؛ بنابراین، از سه منظر می‌توان به نحوه برساختگی هویت، منافع و نیز کنش سیاست خارجی بازیگران نظام بین‌الملل توجه کرد.

مسئله دیگر به امکان کاربست نظریات سطح سیستم در تحلیل سطوح زیرسیستمی بازمی‌گردد. استیو اسمیت (Smith, 2001:38) در این رابطه معتقد است سازه‌انگاری نیز همچون دیگر نظریات سطح سیستم باید به‌طور خاص برای تحلیل سیاست خارجی مناسب باشد؛ دقیقاً به این دلیل که برساختگی اجتماعی از این مفروضه شروع می‌شود که کنشگران جهان خود را می‌سازند و این مفروضه در ورای بخش اعظمی از نوشتارهای مربوط به سیاست خارجی وجود دارد... نقطه عزیمت تحلیل سیاست خارجی، چشم‌انداز دولت به‌مثابه کنشگر است و سپس به درون آن جعبه خاص سیاه می‌نگرد... روشن است که سیاست خارجی قلمرو انتخاب است: کنشگران تفسیر می‌کنند، تصمیم می‌گیرند، اعلام می‌کنند و اجرا می‌نمایند. سیاست خارجی حداقل تا حدی عمل برساختن است، چیزی است که کنشگران تصمیم می‌گیرند که باشد. درواقع اسمیت، سیاست خارجی را معلول کنش بازیگران و رویه‌هایی می‌داند که ساختار خاصی از هویت‌ها و منافع را می‌آفریند.

### بحران سوریه و سیاست خارجی بازیگران منطقه‌ای

سوریه از جمله کشورهایی است که تقابل و کنش سه عامل جغرافیا، قدرت و سیاست، موجب شکل‌گیری نوعی رقابت بین‌المللی برای تأثیرگذاری و مدیریت حوادث داخلی این کشور شده است (نیاکوبی و بهمنش، ۱۳۹۱: ۱۰۳). این کشور که از مقدمات ژئوپلیتیکی خاصی برخوردار است، همواره مورد توجه کانون‌های قدرت در نظام بین‌الملل بوده است. هم‌جواری با ترکیه، فلسطین اشغالی، لبنان، عراق و اردن موجب شده تا این کشور در نقطه ثقل مسائل حاد منطقه‌ای و بین‌المللی قرار گیرد؛ وجود رقابت ایدئولوژیک و سیاسی با رژیم بعث عراق و اتحاد راهبردی با ایران در جنگ هشت‌ساله و دوران پس از آن، مناقشه بر سر مسئله اکراد با ترکیه، حمایت از جنبش‌های مقاومت ضد رژیم صهیونیستی، مناقشه بر مسئله نواحی مرزی و به‌طور خاص بلندی‌های جولان با رژیم اشغالگر قدس، نقش‌آفرینی مؤثر در جنگ‌های اعراب و اسرائیل و نیز مداخله فعال در مسئله فلسطین، حضور قدرتمند سیاسی و نظامی در لبنان تا سال ۲۰۰۵ و نیز حمایت از گروه‌های مقاومت همچون حزب‌الله لبنان، حماس و جهاد اسلامی، برخورداری از استقلال در عرصه سیاست خارجی، داشتن روابط استراتژیک سیاسی و نظامی با فدراسیون روسیه و در اختیار گذاردن بندر طرطوس برای ناوگان دریایی ارتش این کشور و ... همگی از مهم‌ترین مسائلی است که موجب شده تا این کشور در کانون توجهات منطقه‌ای و بین‌المللی قرار گیرد.

این ویژگی‌ها موجب شده است تا پس از آغاز بحران در این کشور (مارس ۲۰۱۱) هر یک از بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی سعی در اعمال فشار و نیز افزایش نفوذ خود بر روند مسائل داخلی این کشور نمایند. از این منظر، شاهد شکل‌گیری قطب‌های مختلف درگیر در این بحران در سطح داخلی و نیز در سطح بین‌المللی هستیم؛ چنانچه قطب عربی به رهبری عربستان و با حضور کشورهایی چون قطر، بحرین، امارات متحده عربی و اردن و نیز با همراهی ترکیه، جبهه غربی به رهبری ایالات متحده آمریکا و همراهی رژیم صهیونیستی، انگلیس و فرانسه و جبهه حامیان نظام سوریه به محوریت ایران، روسیه، عراق و نیز حضور گروه‌های مقاومت همچون حزب‌الله لبنان هستیم؛ به‌طوری‌که هر یک از طرف‌های درگیر سعی دارد تا با بیشینه‌سازی قدرت تأثیرگذاری خود از طریق اقدامات نظامی و ابتکارات سیاسی دست برتر را در میدان عمل داشته باشد.

طولانی‌شدن زمان بحران و درنتیجه، پیچیده‌تر شدن ابعاد آن موجب شد تا بیش‌ازپیش شاهد بروز تضاد منافع میان بازیگران درگیر در این بحران باشیم؛ چنانچه برخی تحولات اخیر همچون حمله موشکی ایالات متحده به یک پایگاه نیروی هوایی ارتش سوریه در آوریل ۲۰۱۷، حمله موشکی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به استان دیر الزور (مقر فرماندهی و مراکز تجمع و پشتیبانی داعش) در ۱۸ ژوئن ۲۰۱۷، اشغال نظامی عفرین به‌وسیله ارتش ترکیه در ژانویه ۲۰۱۸ و نیز حمله موشکی و هوایی ائتلاف آمریکا، انگلیس و فرانسه در ۱۴ آوریل ۲۰۱۸ به اهدافی در استان‌های دمشق و حمص سوریه، نشان از تشدید تعارضات منافع بازیگران فعال در این بحران دارد.

آنچه در این تحقیق مورد نظر محقق قرار دارد صرفاً به نحوه تأثیرگذاری عوامل معنایی و هنجاری در کنش سیاست خارجی کنشگران منطقه‌ای فعال در این بحران بازمی‌گردد. ازاین‌رو، به نظر می‌رسد هریک از این بازیگران بسته به هویت و منافع خود، سیاست‌ها و کنش‌های متفاوتی را دنبال می‌کنند.

## بررسی تهدیدات امنیتی بحران سوریه بر اردن

## ۱- تاریخچه بحران سوریه:

یکی از مهمترین موارد تحولات اخیر در منطقه غرب آسیا که پیوند عمیقی با ملاحظات امنیتی کشورهای این منطقه و همسایگان آن دارد، بحران سوریه می باشد. با شروع قیام های مردمی در کشورهای غرب آسیا و شمال آفریقا که از روزهای پایانی سال ۲۰۱۰ از کشور تونس و فرار بن علی شروع شد و بقای حکومت غرب گرای برخی از کشورهای عربی تهدید شد و در جریان این تحولات حکومت دیکتاتورهای عرب همچون حسنی مبارک، معمر قذافی، علی عبدالله صالح در کشورهای مصر لیبی یمن به دست مردم ساقط شدند (هوشی سادات، ۱۳۹۳: ۳۸۵-۳۶۵) اما دامنه این انقلاب ها به واسطه پتانسیل تاثیر پذیری کشور سوری در کنار سایر عوامل این کشور کشیده شد که با حملات مخالفان مسلح سوریه و تقابل ارتش مواجه بود که پس از این رویداد ها در منطقه کشورهای غربی با مدیریت آمریکا و با همکاری برخی از کشورهای منطقه و سناریوی شبیه سازی بحران در دیگر کشورهای منطقه روی آوردند تا امت عربی را از انقلاب های واقعیت کشور خودشان منحرف کنند و یکی از این کشورها برای پیاده سازی سناریوی آمریکایی - عربستانی با همکاری کشورهای همسایه از جمله رژیم صهیونیستی و اردن کشور سوریه بود (الکوثر: ۱۳۹۶) جرقه از آنجا آغاز شد که چند دانش آموز با نوشتن شعارهای ضد حکومتی بر در و دیوار باعث واکنش شدید مقامات امنیتی سوریه شد و زمانی که نیروهای امنیتی اقدام به دستگیری این دانش آموزان نمودند با اعتراض اولیای آنها مواجه شدند که دولت اقدام به برخورد نظامی کرد و ارتش سوریه که هیچگونه تجربه ای در مهار اعتراضات خیابانی نداشت فکر کرد که همان گونه که با دشمن فرضی در پادگان ها آموزش دیده اند باید با غیرنظامیان برخورد نمایند و این بحران در ۲۶ ژانویه ۲۰۱۱ شروع شد. (G.seth, 2013: 53-60)

متعاقب این امر به نحو کاملاً برنامه ریزی شده ای شایعاتی مبنی بر تجاوز به این افراد انتشار یا که ادامه این ماجرا تجمع و تظاهرات اهل سنت در مسجد العمری درعا علیه نظام حاکم شعارهایی سر دادند و این واقعه نقطه آغاز بحران سوریه بود زیرا پس از این حوادث سرویس های امنیتی عربستان و اردن با کمک سران و گروه های نهادی وهابی، شیوخ عشایر و باندهای قاچاق درد را فعال شدن و به تحریک مردم از رهگذر شعارهایی نظیر «شیعه و علوی در تابوت» پرداختند. (سمیعی اصفهانی و شریفی یلمه، ۱۳۹۵: ۱۷۵-۱۷۶) شهر درعا در ۱۰۰ کیلومتری دمشق و در مرز کشور اردن قرار دارد. موقعیت راهبردی این استان که در نقطه مقابل ها (در شمال اردن) قرار گرفته است از لحاظ پوشش و فرهنگ متفاوت است فرهنگ سوریه و بیشتر به اردن متمایل است و این شهر در طی سالیان گذشته به پایگاهی برای گروه های تکفیری و سلفی تبدیل شده بود که عوامل متعددی در نفوذ این گروه های بنیادگرا به درعا داشت از جمله باز بودن مرزهای سوریه و اردن، اکثریت سنی مردم منطقه، حرکت نیروهای کار مردمی به عربستان (شریفیان و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۴۱-۱۴۲) حکومت اسلامی در عراق در تاریخ ۱۵ اکتبر ۲۰۰۶ پس از نشست شماری از گروه های مسلح در عراق شکل گرفت. در این نشست ابوعمر بغدادی به عنوان سرکرده آن تعیین شد و این گروه از زمان تشکیل در سال ۲۰۰۶ عملیات های تروریستی بسیاری را در عراق انجام دادند و پس از هلاکت وی ابوبکر بغدادی در سال ۲۰۱۰ جایگزین او شد. با روی کار آمدن وی دامنه عملیات و حملات این گروه تروریستی وسعت گرفت و همزمان با بحران سوریه عملیات آنها در این کشور شروع شد (هوشی سادات، ۱۳۹۳: ۴۰۹-۴۱۱) گروه جبهه النصره الاهل الشام اواخر سال ۲۰۱۱ و با آغاز بحران سوریه به عنوان شاخه گروه دولت اسلامی در عراق تشکیل شد به یکی از گروه های مطرح تبدیل شد و سرانجام در سال ۲۰۱۳ ابوبکر بغدادی سرکرده داعش ادغام جبهه النصره و دولت اسلامی را اعلام کرد و عناصر داعش از اواخر دسامبر ۲۰۱۳ و اوایل ۲۰۱۴ با آغاز عملیات ارتش عراق برای پاکسازی الانبار این گروه ها در سوریه در استان هایی مانند رقه، حلب، حسکه را به دست گرفتند (alalam.tv: 1393)

## ۲- هجوم پناهندگان:

طبق کنوانسیون ۱۹۵۱ در زمینه پناهندگی: پناهنده کسی است که به علت ترس موجه از اینکه به علت مربوط<sup>۱</sup> به نژاد، مذهب، ملیت عضویت در بهترین گروه های اجتماعی و یا داشتن عقاید سیاسی تحت تعقیب، شکنجه و یا مورد آزار و اذیت قرار گیرد و در خارج از کشور محل سکونت خود باشد و یا به علت کسل مذکور نمی خواهد خود را تحت حمایت آن کشور قرار دهد و یا به صورت تابعیت می باشد و یا نمی تواند و یا نمی خواهد به آن کشور بازگردد (ماده ۱ کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو (James, 2005: 92) کشور اردن دومین کشوری است که میزبان پناهندگان سوری بوده که ۸۰ درصد از آنها در داخل خاک اردن زیر خط فقر زندگی می کنند که بیشتر آنها در مناطق روستایی زندگی می کند که ۵۱ درصد از آنها کودک می باشند که بیشتر از آنها در کمپ ها زندگی نمی کند و این بدان معناست که در سراسر اردن پراکنده می باشند در نظرسنجی که در سال ۲۰۲۰ از پناهندگان گرفته شد خیلی از آنها از بازگشت به سوی حرفی زده بودند و با طولانی تر شدن اوضاع سوریه میزان رشد آنها زیاد است و در حال حاضر ۷۰ درصد جمعیت این کشور رو تشکیل داده اند (isna.ir: ۱۳۹۴) تعداد پناهندگان سوری در اردن ۱,۴ میلیون نفر می باشند که پنج تا اردوگاه در این کشور احداث شده که سه تا از آنها از جمله اردوگاه الزعتری اردوگاه اماراتی اردوگاه الازرق ثابت می باشد و دو اردوگاه دیگر موقتی می باشد، بنا بر گزارش کمیساریای عالی امور پناهندگان سازمان ملل تعداد پناهندگان سوری که به طور رسمی ثبت شده اند ۶۵۰ هزار نفر می باشند درصد پناهندگان در اردوگاه ها و شهر ها زندگی می کند که ۳۳٪ در امان و ۲۴ درصد در اربد ۱۷٪ در الازرقا و ۱۵ درصد در المفرق هستند، هر چند در ظاهر تهدید امنیتی برای دولت اردن محسوب نمی شوند اما در این باره شواهد اندکی وجود دارد، البته برخی گزارشات از شهر معان حاکی از افزایش تحرکات و گروه های افراطی اردنی و مرتبط با جبهه النصره و داعش برای جذب پناهندگان سوری وجود دارد و هرچند تهدید خطرناکی برای دولت اردن است اما نباید بخش کوچکی را به همه تعمیم داد، ضمن آنکه اگر شهروندان اردنی از رفتارهای خشونت آمیز افراطی علیه پناهندگان دوری کند آنها کمتر جذب جریان های نزدیک به القاعده خواهند شد و دولت می تواند خدمات بهتری در بهبود و حفاظت از پناهندگان و امنیت آنها انجام دهد و بنابراین این مسئله با یک تهدید جدی برای ثبات اردن قلمداد شود ولی در عین حال به این نکته باید توجه داشت که دامنه تهدید گروه های تروریستی از جمله داعش فراتر از جمعیت پناهندگان سوری است که می تواند به طرق مختلف وارد اردن شده و از طریق رسانه های اجتماعی اقدامات خودشان را پیگیری کنند. در این باره وزیر ارتباطات اردن در ابتدای تاسیس داعش در سال ۲۰۱۴ اظهار داشته بود که تمام سیاست درهای باز را حفظ میکند اما ما یک سری نگرانی های امنیتی داریم چرا که پناهندگان از شمال شرقی سوریه می آیند که تحت کنترل داعش می باشد که حامیان داعش و تعدادی از اعضای این گروه در میان پناهندگان حضور دارند.

در اواخر سال ۲۰۱۴ گزارش هایی به دولت اردن اسلامی شد که یکی از گروه های شورشی در اردوگاه های الزعتری، امان و مفرق بود که برخی از این گزارش ها از پیوستن برخی باندهای جنایتکار در اردن منتشر شد که حاکی از افراد تحت تعقیب در این بین وجود داشت، برای نمونه در ۵ آوریل ۲۰۱۴ در اردوگاه زعتری گزارش شد که تعدادی قصد فرار از اردوگاه را داشته اند که منجر به درگیری بین نیروهای امنیتی و پناهندگان شد که ۲۲ تن از نیروهای امنیتی زخمی و یک پناهنده کشته شد در ابتدای بحران سوریه به نظر می رسید که مسئله پناهندگان یک مشکل موقتی است، مخصوصاً در مرحله اولیه بحران سوریه، ولی با افزایش درگیری ها و گروه های تروریستی این نگرانی ها بیشتر شد به طوری که سخنگوی دولت اردن اعلام کرد که بعضی از جنگجویان گروه های تکفیری در بین فراهم کنندگان می باشد که بنا بر سیاست درهای باز اردن عناصر داعش در بین آنها وجود دارد. بر اساس نظر سنجی محققان دانشگاه جرج تاوان در سال ۲۰۱۴ نشان داد که ۸۰ درصد پناهندگان در اردوگاه ها احساس امنیت می کنند در حالیکه پناهندگانی که در شهرها پراکنده هستند زیر ۵۰ درصد می باشد. در اردن سی نهاد غیر دولتی وجود دارد که این سازمان ها با همکاری دولت اردن و سازمان ملل پروژه های متعدد شهری را

<sup>۱</sup> Refugee



برای پناهندگان انجام می دهند و از آنجایی که این سازمان‌ها قادر به تامین مالی خود نیستند از این رو در مقابله به تاخیر انداختن پروژه ها و یا خروج از آنها و وقتی سطح امنیت رو به کاهش باشد آسیب پذیر می شوند و در صورت افزایش حوادث امنیتی باعث ناکارآمدی این سازمان ها و در نهایت افزایش جرم و جنایت در بین پناهندگان می شود (گزارش کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل در سال ۲۰۱۴) و این درست زمانی که آمریکا حمایت مالی خود را از آن‌ها به پناهندگان فلسطینی در کشورهای همسایه از جمله اردن قطع کرد که با مشکل بودجه مواجه شدند. ایا در سال ۲۰۱۷ کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل در امور پناهندگان اعلام کرد برای جمع آوری ۴,۶ میلیارد دلار از سوی جامعه جهانی پاسخ مثبتی دریافت نکرده که این امر منجر به افزایش بیماری در کشورهای پناهجو پذیر و افزایش بیکاری خواهد شد. گوزانسکی و استریم استدلال می کنند «در اردن برای ایجاد ناآرامی های سیاسی یا شرکت در اعتراضات آینده کشور اردن به ویژه زمانی که حکومت اسلامی را بداند، پناهندگان نقش موثری دارند» (Guzansky and Striem, 2013:469) و ادامه درگیری ها در سوریه و افزایش جمعیت پناهندگان در مرزهای دو کشور فشارهای زیادی از لحاظ ساختاری غیر نظامی و امنیتی و رد آن تحمیل می کند. رادیکال شدن جوانان سوری در اردوگاه های پناهندگان سوری در اردن و وسعت دستیابی به اندیشه های افراطی می تواند و عناصر رادیکال مردم اردن در مناطقی مانند معان مهمترین علت نگرانی باشد با گذشت زمان ناامیدی و وخیم تر شدن اوضاع در اردوگاه های پناهندگان به همراه ادامه کشتار غیرنظامیان در سوریه باعث افزایش نگرانی در منطقه و تسهیل تلاش های استخدام القاعده و وابستگان جهادی آن در اردن منجر خواهد شد. (Robert Worth, 2016:83)

### ۳- درگیری های مرزی:

اعتماد سوریه نسبت به اردن برای مبارزه با تروریست‌ها اندک بود، چرا که اردن پس از سوزاندن خلبان اردنی توسط داعش به طور فعال برای مبارزه با داعش فعال شد. نیروهای تروریستی که در جنوب سوریه هستند مثل جبهه النصره توسط ارتش سوریه به جنوب سوریه رانده شدند تا اردنی ها با آنها برای مبارزه با سوریه همکاری کند که این خود منجر به درگیری های خشونت آمیز در شهرهای مرزی اردن از طریق بمب گذاری در ماشین ها و سایر حملات توسط گروه های تروریستی با هدف تشدید اوضاع در مرزهای جنوبی سوریه افزایش یافت. در حالی که اردن توانست مدتی از درگیری های مستقیم با هر یک از گروه های تروریستی جلوگیری کند به این استراتژی چندان دوام نیاورد برای رویارویی مستقیم مجبور شد که نقطه عطف آن در سال ۲۰۱۶ در یک حمله تروریستی در اردوگاهی در اردن و نزدیکی سوریه بود از زمان بیرون راندن تروریست‌ها در شهر های رقه و موصل گروه های تروریستی تاکتیک نظامی خود را تغییر داده و به دنبال افزایش فنون و مهارت نظامی و بودجه و به دنبال استخدام جدید بود.

عدم کنترل مرزهای مشترک اردن و سوریه توسط دولتمردان امان سالهای گذشته موجب گسترش پدیده تروریسم در این مرز ها شده است چرا که دولتمردان اردنی همایونی برای باز نگه داشتن برای تکفیری ها را ندارد چراکه مردم می دانند به دلیل حمایت اردن از تروریست در سوریه آنها را عامل افراطی گری در کشور اردن می دانند ارتش اردن در ۳ آگوست ۲۰۱۸ اعلام کرد که این کشور در منطقه «حوض الیرموک» با نیروهای تروریستی در مرز سوریه و اردن درگیر شده اند و یا در ۲۶ / ۶ / ۲۰۱۶ حمله انتحاری به پادگان نیروهای مرزبانی ارتش اردن در منطقه الرکبان واقع در مجاورت مرزی با استان درعی سوریه منجر به کشته شدن ۷ نیروی اردنی شد که با آغاز عملیات پاکسازی ارتش سوریه در جنوب پیشروی های تکفیری در مرزهای اردن و در داخل کشور اردن بیشتر شد در تاریخ ۱۱ آوریل ۲۰۱۴ نیروی هوایی اردن کاروان وسایل نقلیه تروریست ها را بمباران کرد که این تروریست ها هست داشتند برای فرار از درگیری با نیروهای دولتی در جنوب سوریه به وسیله وسایل نقلیه و غیر نظامیان که به مرزهای دو کشور آمده اند حمله کنند و یا در ۲۳ ژانویه ۲۰۱۶ در مجموع ۳۶ شبه نظامی تلاش کردن که به مرزهای اردن نفوذ کنند که با درگیری مرزبانی اردن مواجه شدند که ۱۲ نفر از آنها کشته شدند و تعداد ۲ میلیون قرص کشف شد و دو روز بعد گروه های مسلح دیگری قصد نفوذ به مرزها را داشتند پاسخ تند ارتش اردن روبه رو شدن که تعداد زیادی قرص ضد بارداری و ۲۵۰۰ کیسه ماری جوانا و ۲۴۰۰ عدد قرص از آنها کشف شد و همچنین در هفته ریه ۲۰۱۶ دو

مرد با استفاده از هوای مه آلود سعی در نفوذ داشتند که توسط نیروهای مرزبانی ارگان کشته شدند که سخنگوی ارتش اردن اظهار داشت که استرس و هشدار در هر زمان در برابر تلاش برای نقض مرز هاست و هر کس کس بخواهد دست به این اعمال بزند سرنوشت دچار خواهد شد و یا در صبح ۲۱ ژوئن ۲۰۱۶ اتومبیل در اردوگاه موقت رکبان استوری ها در آن اقامت داشتن ۶ افسر اردنی کشته شدند و در نتیجه آن اعلام کرد که مرزهای این کشور به «منطقه نظامی بسته» تبدیل شده است که در پی این حادثه از تحویل کمک های بشردوستانه به منطقه به دلیل نگرانی های شدید امنیتی به حالت تعلیق درآمد در پی این حادثه در سپتامبر ۲۰۱۶ تعداد ۷۵ هزار پناهنده در شرایط سخت زندگی به دلیل عدم دسترسی به مراقبت های پزشکی، آب آشامیدنی، در این منطقه محاصره شدند و شیوع بیماری باعث افزایش مرگ و میر در بین پناهندگان شد بر اساس گزارشات از سوی فرماندهی عالی نیروهای مسلح اردن نشان می دهد که اوج درگیری های مرزی با تروریست ها ۸۵ مورد نفوذی را کنترل کرده اند گزارشات حاکی از آن است که ۴۷۳ هزار قبضه اسلحه مختلف، ۶۶۵۹ گلوله، ۱۶ میلیون و ۷۶۸ هزار عدد قرص و ۸۹۳ برگ ماری جوانا و ۲۰۰۰۰ قرص ترامادول از آنها کشف شده است. از زمان وقوع بحران سوریه و تهدیدات رویارویی با شبه نظامیان در مرز اردن و همچنین ورود جنگ جویان موقعیت استراتژیک پادشاهی در طول بحران سوریه و تامین امنیت مرزها خود به یک منبع اصلی تهدید بود.

#### ۴- عملیات های تروریستی:

دلایلی که باعث شده دنبال هوادارانی در اردن باشند از جمله ۱- مشارکت اردن در جنگ علیه تروریسم با همکاری آمریکا که این باعث شده است این اقدام توسط بسیاری از اردنی ها به ویژه گروه های سلفی تندرو حمایت نشود و به عنوان مثال رهبر برجسته جهادی سلفی در اردن محمد الشبابی به نام مستعار «ابوسیاف» تصریح کرد که مشارکت اردن در ائتلاف های بین المللی سرآغاز پایان حکومت عبدالله دوم است به طوری که حتی در یک پیام ویدئویی داعش در اردن رو به قتل تهدید کرده بود (baladnews.com:2014) ۲- گسترش حوزه جغرافیای داعش در مرزهای عراق و سوریه با آنها درگیر هستند. ۳- گسترش فکری و حضور تعدادی از گروه های حامی در اردن، گسترش فکری مبنای شرعی و بر روی هدفی بزرگ که همه گروه های جهادی را با هم متحد می کند مانند سازمان توحید و جهان در اردن که تخمین زده می شود اردن بزرگترین کمک کننده به جریان های جهادی به سوریه است که شمار آنها ۲۵۰۰ الی ۱۸۰۰ مبارز می باشند و تعداد عملیات های تروریستی در بازه زمانی ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۸ بر اساس سرشماری مستند ۱۸۰ عملیات تروریستی در خاک اردن و در مرزها انجام شده است و به طوریکه آرگان ۲۰۰ تا ۳۰۰ نیروی جهادی رو دستگیر کرده است و ۶۷۵ نفر را که به سازمان های تروریستی تعلق داشته و یا برای آنها تبلیغ کردن را به دستگاه های قضایی معرفی کرده اند. برآوردهای رسمی حاکی از آن است که پرونده بازگشت افراد اردنی سازمان های تروریستی داعش و سایر سازمان های تروریستی بزرگترین چالش برای اردن که افراد تروریستی از آغاز بحران سوریه در حدود ۱۳۰۰ نفر تخمین زده شده اند چهار نفر از آنها کشته شده اند و ۳۰۰ نفر از آنها بازگشتند و ۶۰۰ نفر دیگر هنوز در سوریه باقی مانده است با وجود اختلافات دقیق آماری در سال ۲۰۱۵ حدود ۹۰۰۰ تا ۱۰ هزار هوادار تروریست در اردن وجود داشته است بر اساس یک نظرسنجی توسط مرکز مطالعات استراتژیک که نشان می دهد ۷٪ اردنی ها از سازمان های تروریستی مانند داعش، النصره و القاعده حمایت می کند در حالیکه این آمار در بین جوامع عرب بین ۲ تا ۵ درصد بوده است که با این وجود قتل تروریست تهدیدی جدی برای امنیت اردن خواهد بود.

#### بحران سوریه و دستاوردهای آن برای اردن ناشی از بحران

##### ۱- تغییر رویکرد اردن در قبال بحران سوریه:

دولت اردن از آغاز بحران سوریه موضع بی طرفی رو در پیش گرفت و گاهی حتی آمادگی خودش رو برای وساطت میان دولت و شورشیان را اعلام کرد ولی اردن به علت وجود گسترده نیروهای تکفیری و سلفی نتوانست این بی طرفی را حفظ کند چرا که همانطور که ذکر شد سه هزار نیروی مصلح اردنی در جبهه النصره و داعش فعالیت می کند و از طرفی به علت اتحاد و ائتلاف



منطقه‌ای و بین‌المللی و نیازهای اقتصادی قادر به حفظ این سیاست نبود و به عبارت دیگر اردن در حال حاضر از یک سو طرفدار حل بحران سوریه می‌باشد چرا که ادامه این بحران آوارگان بیشتری را به اردن سیل می‌دهد و ماندگاری پناهندگان را طولانی می‌کند و تاثیرپذیری این کشور از ادامه کار تکفیری ها را در داخل اردن و مرزهای این کشور را بیشتر می‌کند ارتش سوریه ممکن است افراد مسلح تکفیری جبهه النصره را به داخل اردن سوق دهد و در چنین شرایطی وضعیت بدتر می‌گردد مجموعه این عوامل برای اردن ایجاد می‌کند که طرفدار راه حل سیاسی و سریع بحران سوریه باشد. در حال حاضر عربستان و امارات همچنان اجازه بی طرفی به اردن را نمی‌دهند و پیگیری منافع آن را سلب می‌کند (سلامه: ۲۰۱۸) و این کشور مهم ترین گذرگاه افراد مسلح و تسلیحات به سوریه درآمده است و آنها با فشار بر اردن از آن می‌خواهند تا با آنها همکاری کنند اخیراً شاهزاده بندر بن سلطان دبیر شورای عالی امنیت ملی عربستان در شمال شهر اربد در چند کیلومتری مرز سوریه یک قرارگاه تاکتیکی برپا کرده و برادرش شاهزاده سلمان بن نایف راب فرمانده این قرارگاه منصوب کرده تا از این طریق ارزش تروریست ها جلوگیری شود و بسیاری از مسئولان امنیتی اردن به این کشور اطلاع داده بودند که حضور واسطه سلفی های تکفیری به ویژه جبهه النصره وابسته به القاعده در مناطق مرزی اردن و سوریه یک تهدید جدی و زمینه گسترش تفکر آنها را فراهم می‌کند. (الرای: ۲۰۱۶)

عدم دسترسی به دریاها و آزاد مرزهای مشترک طولانی با فلسطین اشغالی از یک سو و هم مرز بودن با کشورهای بحران زده عراق و سوریه سبب شده که این کشور اولاً به دنبال روابط حسن با رژیم صهیونیستی باشد و دوماً به دلیل احساس خطر از تسری بحران کشورهای همسایه دستور کار امنیتی را در دستگاه سیاست خارجی خود دنبال می‌کند. سومن منابع زیرزمینی اندک و عدم وجود صنایع پیشرفته اردن را وابسته به کمک های مالی و نظامی متحدان بین‌المللی و منطقه‌ای خود نموده و سبب نفوذ پذیری این کشورها در اتخاذ تصمیمات به ویژه پیرامون بحران‌های منطقه‌ای نموده است. با شروع بحران سوریه اردن به علت هم‌پیمانی با آمریکا و عربستان بر برکناری بشار اسد از قدرت تاکید کرد (روستایی، ۱۳۹۷). تاریخ کوتاه شکل گیری اردن و وابستگی به تشکیل آن به بریتانیا سبب شده که این کشور تصمیمات خود را در عرصه سیاست خارجی با در نظر گرفتن منافع غرب ای اتخاذ نماید تا بتواند از نظر امنیتی تحت حمایت آنها باشد و لذا در درجه اول متحده آمریکا می‌باشد. اما با طولانی تر شدن بحران از دو جهت احساس خطر کرد یکی به خاطر سرازیری سیل آوارگان به اردن این کشور به لحاظ اقتصادی تحت فشار مضاعفی قرار گرفت تنها با کمک های خارجی توانست تاحدودی به وضعیت پناهندگان بهبود ببخشد و دومین که گروه‌های تروریستی در نزدیکی مرزهای این کشور به همراه حضور افراطیون اردنی در صف مخالفان دولت سوریه نگرانی ها را از بازگشت آنها و برهم زدن ثبات این کشور افزایش داد. در پی تحولات میدانی و پیشروی های ارتش سوریه به سمت مرزهای اردن و عراق با همکاری سازمان اطلاعات اردن با عربستان در کمک به مسلح کردن مخالفان اسد به منظور حفظ قوا در عرصه میدانی و جلوگیری از پیشروی های ارتش سوریه و نیروهای متحد آن شدت یافت و به هر میزان که پیشروی های ارتش سوریه به مرزهای اردن پیش می‌رفت به میزان این همکاری ها افزوده می‌شد و پیشروی های ارتش سوریه در مرز مشترک این کشور و اردن در شرق دمشق سبب انسداد مسیر ترانزیتی تسلیحات برای تروریست ها در غوطه شرقی شده و این امر به طور ملموس موازنه میدان نیرو به سمت دولت قانونی سوریه تغییر داده است (مشرق نیوز، ۱۳۹۸)

و از اوایل سال ۲۰۱۷ میلادی به تدریج شکست داعش و سایر گروه‌های تروریستی آشکار شد، و انسجام ائتلاف ایران، روسیه و ترکیه در سوریه افزایش یافت، اردن رویه چند سال گذشته را کنار نهاد و علاوه بر بازگشایی مرزها با عراق، بدون جنجال شروع به فشار بر گروه‌های مسلح جهادی و معارضان سوری کرد که نقاط مرزی اردن را ترک کنند (مظاهری، ۱۳۹۶)

دلایل تغییر موضع اردن در بحران سوریه: اول اردن از پذیرش موج آوارگان سوریه خودداری کرد و مخالفان حضور داشتند با هدف بهره برداری سیاسی از موج جدید کسب جلب افکار عمومی به این مسئله رو داشتند دوم برنامه کمک به آوارگان سوری در اردن که بیانگر اقدام برادرانه از طرف کشور اردن نسبت به سوریه بود و سوم اردن با وارد کردن گروه‌های مسلح در جنوب سوریه در بازگرداندن این مناطق نقش مثبتی داشت. ولی با این وجود نمی‌توان گفت که به طور مستقل و جدا از دان بین‌المللی و منطقه‌ای خود این سیاست را اتخاذ کرده است. (حاتم: ۲۰۱۸)

**۲- دریافت کمک های مالی:**

اردن به عنوان کشوری با منابع طبیعی و درآمدی محدود به شکل قابل توجهی وابسته به حمایت های خارجی به ویژه از طرف آمریکا، اتحادیه اروپا و شیخ نشین های خلیج فارس بوده و همواره برای کاهش کسری بودجه سالانه و واردات مشتقات نفتی مورد نیاز خود دست به استقراض شده است و با شروع بحران سوریه حضور نیروهای تروریستی در مرزها و به ناچار باز بسته شدن مرزهای دو کشور و شروع مهاجرت گسترده پناهندگان سوریه به اردن و قطع صادرات گاز مصر به اردن، این کشور دچار بحران اقتصادی شدیدی شد که بنابراین برای دریافت کمک های مالی و نظامی از آمریکا و اتحادیه اروپا و ناتو و کشورهای خلیج فارس کمک دریافت کرد که به طور مختصر به آن پرداخته خواهد شد:

**۲-۱- آمریکا:** پس از آغاز بحران سوریه و گسترش فعالیتهای داعش در دو کشور سوریه و عراق که همجوار با این کشور می باشند و به دنبال افزایش فعالیت های داعش و پیوستن اردن به ائتلاف های بین المللی کنگره آمریکا تصویب و فروش تسلیحات نظامی به اردن را در فوریه ۲۰۱۴ تصویب کرد که بر اساس آن طی سه سال از ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۶ کمکهای مالی آمریکا به اردن از ۶۶۰ میلیارد دلار به یک میلیارد دلار افزایش یافت که علاوه بر این واشنگتن با فروش ۲۶۰ موشک انداز از نوع هلفایر و ۹۲ دستگاه زره پوش از نوع کوگار و صد بمب لیزری به سیستم های موشکی هدف گیری ناوهای جنگی موافقت کرد و این در حالی است که این کمکها در سال ۲۰۱۷ به یک میلیارد و ۲۵۰ میلیون دلار و در سال ۲۰۱۸ به یک میلیارد و ۵۲۵ میلیون دلار رسید (هانی هورانی: ۲۰۱۸)

**۲-۲ اتحادیه اروپا:**

از آغاز بحران سوریه کمیسیون اروپا بیش از ۵۸۳ میلیون یورو یارانه به پناهندگان سوریه آسیب پذیری در اردن کمک کرده در سال ۲۰۱۴ اتحادیه اروپا برای بهبود مدیریت تحرک و مهاجرت قرار داد «مشارکت تحرکی» با اردن را امضا کرد. لازم به ذکر است که کمک های بشردوستانه اتحادیه اروپا از طریق سازمان ملل متحد و سازمان های بین المللی و شرکت های بین المللی و سازمان های غیردولتی هدایت می شوند و بنابراین نیازهای تردید کننده ناشی از بحران کشورهای همسایه که این کشور را تهدید می کند در زمینه کمک های غذایی بهداشتی آموزش و پناهگاه ها بوده است سال ۲۰۱۶ سازمان های غیردولتی برای کشورهای همسایه از طریق صندوق اعتماد منطقه ای اتحادیه اروپا در پاسخ به بحران سوریه عمل کرده و با تعهد ۱۶ کشور از اتحادیه اروپا و کمک های مختلف و ابزارهای مختلف اتحادیه اروپا بوده است از سال ۲۰۱۶ به مبلغ ۶۴۵ میلیون یورو در هیئت مدیره صندوق تصویب شده است به عنوان مثال از حقوق جندر سوریه کمیسیون اروپا بیش از ۳۵۰ میلیون یورو به فروش هایی در لبنان اردن عراق و سوریه اختصاص دارد از جمله مهمترین این پروژه ها آموزشی بوده که از ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۰ تعداد ۱۲۹ هزار دانش آموز در اردن در مدارس دولتی ثبت نام کرده اند.

**۲-۳- ناتو و اردن:**

ناتو و سازمان ملل برای تقویت و مقاومت اردن در مقابله با تغییرات ناشی از حملات تروریستی در کشورهای همسایه با استفاده از سلاح های کشتار جمعی در ۲۰۱۹ با همکاری دفتر مبارزه با تروریسم سازمان ملل تفاهم نامه همکاری در مورد اجرای پروژه مشترک «تقویت توانایی ها برای آماده سازی و پاسخ به حمله های تروریستی در آلمان با استفاده از سلاح های شیمیایی و هسته ای بوده است».

در سال ۲۰۱۸ همکاری خود را با امضای پروژه تقویت ظرفیت دفاعی ناتو-اردن که در جهت اح و مدرن سازی نیروهای مسلح اردنی با توجه به چالش های منطقه ای در مرزهای دو کشور عراق و سوریه بوده است و در سال ۲۰۱۵ این کشور میزبان جلسات عقبه بین دبیر کل ناتو و پادشاه اردن بود و در سال ۲۰۱۸ دبیر کل ناتو اعلام کرد که به عنوان بخشی از کمک هایی برای تقویت قابلیت های دفاعی این کشور یک مرکز مدیریت بحران تاسیس خواهد کرد (الوقت: ۱۳۹۸)

## ۲-۴- کمک کشورهای عربی:

اردن از اعضای اتحادیه عرب می باشد و از این جهت مانند سایر اعضای این اتحادیه خود را ملزم به رعایت حداقل هایی از تصمیم های مربوط به اعراب می کند و با توجه به رفتار اردن و پس از آغاز بحران سوریه و ظهور داعش و سایر گروه های تروریستی در سوریه و عراق برای همکاری را با گروه های مسلح مخالف بشار اسد را در پیش گرفت و از این جهت باید گفت که کمک های مالی فراوانی از کشورهای شیخ نشین خلیج فارس از جمله عربستان امارات و کویت دریافت کرده است برای نمونه در سال ۲۰۱۵ پادشاه عربستان پیشنهاد ۲۰ میلیارد دلار در ازای اشغال مناطقی از سوریه را به پادشاه عربستان داد این پیشنهاد در مقابله پیشروی های ارتش سوریه در مرزهای شمالی اردن با موفقیت های ارتش این کشور بود.

## ۳-مقابله با تروریسم:

دولت اردن در سال ۲۰۱۴ به منظور جلوگیری از رش افراط گرایی و تروریسم در منطقه و جهان به ویژه سازمان های تروریستی داعش در سال ۲۰۱۴ که به اوج خود رسید یک برنامه ملی برای مقابله با افراط گرایی آماده کرد طرح تایید می کند که مقابله با افراط گرایی و اغراق عقیدتی نیاز به تلاش مشترک دارد که شامل تمامی جنبه های مرتبط با آن می باشد. شامل برنامه های مذهبی، فرهنگی، آموزشی، اجتماعی و سیاسی می باشد این برنامه که چارچوب اصلی را برای مقابله با تروریسم بیان می کند:

اول: ایجاد یک فرهنگ واقعی دینی اسلامی بر اساس اهداف تحمل آیین نامه اسلامی که برای ۵ هدف اساسی که برای انسان تضمین دستیابی به سعادت در این دنیا و آخرت است را بیان می کند که عبارتند از حفظ دین، روح، عقل، فرزندان و پول  
دوم: گسترش فرهنگ اجتماعی مبنی بر کسی برای سیاسی و احترام به آزادی های عمومی و حقوق شهروندی  
سوم: تعیین ارزش های تحمل و پذیرش ارزش های دیگر، از طریق کلیه نهادهای ذیربط در امر آموزش و راهنمایی مثل وزارت آموزش و پرورش آموزش عالی وزارت اوقاف و امور اسلامی و اماکن مقدس (العضامات، ۲۰۱۹: ۲۳) و در تاریخ ۱۰ دسامبر ۲۰۱۴ اردو نرس من عضویت خود را در ائتلاف های بین المللی جنگ علیه داعش را اعلام کرد و نیروی هوایی اردن در بمباران رفع شرکت کرد و در ۲۰ دسامبر با سقوط یک جنگنده و اسارت خلبان اردنی به نام معز الکسبه و در نهایت با سوزاندن او منجر شد که علاوه بر این بر تحکیم نظامی خود افزود از جمله خبرگزاری رسمی سوریه سانا در سال ۲۰۱۵ نوشت: اردن به منظور فرماندهی عناصر تکفیری و هدایت آنها به تشکیل اتاق های عملیاتی در خاک خود مبادرت ورزیده که دستگاه های عربی غربی و همچنین رژیم صهیونیستی در آن نقش آفرینی دارند اتاق از جمله عملیات الموک: اتاق عملیات موک اتاق نظامی و مقرر فرماندهی در شمال اردن در نزدیکی مرز سوریه است که در سال ۲۰۱۳ تاسیس شد و در سال ۲۰۱۴ توسعه داده شده را و هدایت آن را آمریکا انگلیس فرانسه و اردن و چند کشور دیگر حوزه خلیج فارس از جمله عربستان را بر عهده دارند (العالم، ۱۳۹۳) ارتش سوریه در مرزهای جنوبی و ایجاد مناطق کاهش تنش گذرگاه نصیب طی یک بیانیه گروه تروریستی جیش اسود و قوات احمد عبدو اعلام کردند که اتاق عملیات موک از حمایت آنها دست برداشته است (بیانیه جیش اسود) پس باید گفت که اردن مانند سایر کشورهای همسایه اردن در معرض عملیات تروریستی می باشند که امنیت و ثبات آن را تحت تاثیر قرار داده است اردن برای مقابله با این تهدید باید مقابله کند.

## نتیجه گیری:

با اوج بحران سوریه در سال ۲۰۱۴ گسترش فعالیت های تروریستی در این کشور و هجوم پناهندگان به کشورهای همسایه و حضور آنها در پناهگاه ها و افزایش جرم و جنایت برخی از پناهندگان و یا پراکنده شدن عده ی کثیری از آنها در داخل کشور اردن و حضور عملیات های تروریستی در مرز اردن و حمله به یگان های مرزبانی در سوریه و اردن و به دنبال آن عملیات های تروریستی در داخل اردن و یا وجود جریان های تکفیری در داخل اردن بر امنیت این کشور تاثیر گذاشت و برای برون رفت از این خطر و جلوگیری است سرایت این بحران به داخل کشور مجبور شد در هم پیمانی غرب به رهبری آمریکا و کشورهای شیخ نشین خلیج فارس از جمله عربستان امارات و کویت باشد و از نظر مالی و نظامی به آنها وابسته باشد و نتواند سیاست

مستقلی از آنها اتخاذ کند. شواهد حاکی از آن ست که این کشور نمی خواهد از جنگ و عدم هماهنگی هریک از طرفین درگیر سوریه چه از نظر رژیم و چه با مخالفان درگیر شود و با افزایش بحران سوریه و ظهور داعش در این کشور ترسهای تصمیم گیرندگان سیاسی اردن درباره ی پیامدهای این بحران بر امنیت و ثبات داخلی اردن تاثیر بگذارد، بیش تر شد که از جمله این نگرانی ها ، نگرانی در مورد ایجاد خشونت در داخل سوریه بویژه افزایش گروه های مسلح و مبارز اسلامی و ترس از تقسیم شدن سوریه بود که از پیامد آن حضور پناهندگان در داخل اردن است که اردن در پناهگاه ،پذیرای پناه جویان از سراسر غرب آسیا بوده است و یا گروه های افراطی مانند داعش ،القاعده و سایر گروه ها، دیگر کشورهای منطقه از جمله عراق را درگیر کرده است و کشور اردن به دلیل عدم تمایل به عمل به عنوان واسطه درگیری به یکی از آخرین کشورهای با ثبات در منطقه است و از این حیث نگرانی های امنیتی سیاسی و نظامی را برای کشور اردن در پی داشت.

## منابع

- اسدی، علی اکبر (۱۳۹۱) «بحران سوریه و تاثیر آن بر بازیگران و مسائل منطقه ای»، فصلنامه مطالعات - راهبردی جهان اسلام، سال سیزدهم، شماره ۵۰، صص ۱۶۹-۱۷۰.
- بیات، ناصر (۱۳۹۰)، «نقش ترکیه در تحولات خاورمیانه با تأکید بر تحولات سوریه»، فصلنامه رهنما سیاستگذاری، سال دوم، شماره دوم.
- حسینی، سیدمحمد (۱۳۹۱) «نگاهی به سیاست خارجی ترکیه در سال های اخیر؛ چیرگی کمالیسم بر پراگماتیسم»، همشهری دیپلماتیک، شماره ۵۹، اردیبهشت.
- حسینی، سیده مطهره، طالب ابراهیمی و صفی الله شاه قلعه (۱۳۹۱)، عملکرد تأثیر تحولات سوریه بر الگوی خاورمیانه ای حزب عدالت و توسعه»، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، ش ۵۱.
- فرزندی، عباسعلی (۱۳۹۱)، «اهمیت راهبردی سوریه برای ایران»، پیام انقلاب، شماره ۶۲، شهریور.
- قربانی، فهمیه (۱۳۹۱)، «بحران سیاسی جاری سوریه، راهکار»، تارنمای پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
- مسعودنیا، حسین، علی فروغی و م. چلمقانی (۱۳۹۱)، «ترکیه و بحران سوریه، از میانجیگری تا حمایت از مخالفان دولت»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال اول، شماره چهارم.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۳)، سازه انگاری به عنوان فرانظریه روابط بین الملل، فصلنامه سیاست، شماره ۶.
- نیاکوئی، سیدامیر، علی اسمعیلی و علی اصغر ستوده (۱۳۹۲)، «تبیین راهبرد امنیتی ایران در قبال سوریه ۲۰۱۳-۲۰۱۱»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال اول، شماره چهارم.
- سمیعی اصفهانی، علیرضا و ایمان شریف یلمه (تابستان ۱۳۹۵)، واکاوی ریشه های شکل گیری داعش در سوریه و عراق، فصلنامه مطالعات جهان اسلام، سال پنجم، شماره ۱۸.
- شریفیان، جمشید و اباصلت کبیری و علیرضا طحانمنش (تابستان ۱۳۹۱)، تعامل و تقابل ایران و ترکیه در بحران سوریه، فصلنامه امنیت پژوهی، سال یازدهم، شماره ۳۸.
- هوشی سادات، سید محمد (۱۳۹۳)، تاریخ سیاسی اجتماعی خاورمیانه: از عصر قدیم تا پسا عصر جدید، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.

نوروزی خیابانی، مهدی (۱۳۷۴)، فرهنگ و اصطلاحات سیاسی، تهران: نشر نی، چ چهارم

- Karimifard, Hossein (2011), "Constructivism; national identity and foreign policy of the Islamic Republic of Iran", *Scholarly Journal of Business Administration*, September, Vol. 1(2), pp. 41-47, Available Online: [http:// www.scholarly-journals.com/SJBA](http://www.scholarly-journals.com/SJBA).
  - Tidy, Joanna (2006-7), "The Social Construction of Identity: Israeli Foreign Policy and the 2006 War in Lebanon", *Centre for Governance and International Affairs University of Bristol Working Paper*, No. 04-08.
  - Mohammad Nia, Mahdi (2011), "Holistic Constructivist Approach to Iran's Foreign Policy", *International Journal of Business and Social Science*, March, Vol. 2 No. 4.
  - Schonberg, Karl K, (۲۰۱۷), "Ideology and Identity in Constructivist Foreign Policy Analysis", *Presented at the Standing Group on International Relations European Consortium for Political Research Sixth Pan-European Conference*, 12-15 September, Gülseven, Enver. (2010), "Identity Security and Turkish Foreign Policy in the Post-Cold War Preiod: Relations with the EU, Greece and the Middle East", A Thesis Submitted for the Degree of Doctor of Philosophy, *Department of Politics and History*, Brunel University, December.
  - Kilinc, Ramazan (۲۰۱۶), "The Place of Social Identity in Turkey's Foreign Policy Options in the Post-Cold War Era in the light of Libral and Construtivist Apporaches", *Department of International Relations Bilkent University Ankara*, September.
- G.junes, seth (2013): syrias growing Jihad, survival: golobal politics and strategy .
- james C . colathaway (2005): the rights of international law , new York ,Cambridge university press.
- EU (2016), remarks by HRVP fedrica Mogherini at the supporting Syria and the region conference , from <http://www.eeas-europa.eu>, (accessed 4/2/2016)
- U.S. News and World Report (2016), Jordan's intel service: 7 men killed in arrest raids in northern city had ties to Islamic State, planned attacks, from <https://www.usnews.com> , (accessed 2/3/2016)

## Investigating the Impact of the Syrian Crisis on Jordanian Security (2014-2020)

Sayyed hamzeh safavi

Saeed Jamshidi

### Abstract

The type of crises is divided into two types of crises "in" the structure and crises "on" the structure. Crises in the "door" of the structure challenge and regulate the system, not change the structure of the international system, but the product of the "crises" of the structure is the distribution of new capabilities and the creation of new structures. From then on, the crisis as a process plays a structural role and the process creates a structure. The Syrian crisis, in terms of the nature of the crisis, is a crisis "within" the structure that has arisen from within the national governments and has spread to the regional and international space; Thus, the Syrian crisis has become an arena that has indirectly involved the great powers, which is not able to change the type of structure, but can change the type of alliances and coalitions on an international scale. The source of the Syrian crisis is of the domestic crisis level, which has caused a crisis due to the inability to respond appropriately and in a timely manner, and has challenged the regional and global system at the same time. Thus, in addition to the political system dealing with the opposition and protesters, the opposition has transcended borders and the unrest in Syria has become the scene of the Cold War based on the logic of the balance of power between the major regional and international powers. However, although the Syrian crisis is structurally "in" structure in terms of the structure of the international system, it is "critical" from a regional perspective due to the prevailing Cold War climate in the region, the almost bipolar nature of regional coalitions and camps, and the Syrian geopolitical importance. In this study, the researcher intends to study and analyze the impact of the Syrian crisis, as well as the dimensions and consequences of the crisis on Jordanian security; The findings show that with the onset of the Syrian crisis, Jordan faced security threats in terms of its proximity to the country, such as the arrival of refugees, border clashes, and ISIL threats, which directly and indirectly affected Jordan's security. The country received financial and military assistance from the United States and other countries to solve its security problem and strengthen the country.

**Keywords:** Jordan, Syrian developments, political security.